



## عصر و زمانه رازی

در دوره خلافت امویان، حاکمان اموی نه در فکر علم بودند و نه به تعالی فرهنگی مردمان می‌اندیشیدند. آنان برای علوم طبیعی ارزشی فائل نبودند و به نظرشان این علوم فقط به درد ملل غیرعربی مثل ایرانیان می‌خورد.

در این شرایط نامناسب البته، امامان شیعه همگی بر اهمیت عقل، تفکر و خردورزی تأکید می‌کردند و با این که اغلب آنان، خود در

هنوز یک قرن از ظهر اسلام نگذشته بود که دولت اسلامی از غرب تا اندلس و از شرق تا هند گسترش یافت. با اشاعه دین مبین اسلام در کشورهای گوناگون، مرازهای آن‌ها از میان رفت و ممالک پهناوری مانند ایران و مصر زیر پوشش خلافت اسلامی قرار گرفتند. به این ترتیب، زبان عربی که زبان قرآن مجید بود، رسمیت یافت و به صورت زبان علمی و حکمت در آمد.

هررو، بطليموس، جالينوس و بقراط بود. در این زمان به نظر می‌رسید که علم طب حیاتی نوین یافته است.

**هارون الرشید** خلیفه دیگر عباسی به کمک وزیر برمه کی خویش با جمع آوری کتب علمی و تشویق دانشمندان به ترجمه آن‌ها، در راه پیشرفت علم گام مهمی برداشت و خاندان برمه کیان نیز که علاقه ویژه‌ای به علوم یونانی داشتند، در ایجاد نهضت ترجمه آثار یونانی به عربی نقش عمده‌ای ایفا کردند.

موج دیگری از دانشمندان ایرانی پس از روی کار آمدن عباسیان از خراسان، ری و بلخ و حوزه علمی مرو به بغداد آمدند و در راه شکوفایی علوم عقلی و طبیعی کوشیدند.

با ظهور اندیشه‌های نو و تأثیف و ترجمه کتاب‌های علمی در شاخه‌های مختلف، هم چنین ایجاد مرکز فرهنگی جدید در کنار هسته‌های معرفت قدیم، نخستین ثمرات تمدن اسلامی در نیمه دوم قرن دوم هجری قمری آشکار شد. از همین دوران بود که معارف ایرانی، یونانی، هندی و ... در بستر تمدن اسلامی به هم آمیختند و به سوی حوزه هایی چون بغداد و بصره و کوفه سرازیر شدند.

جوششی که از قرن دوم هجری قمری در جهان اسلام آغاز شده بود، طی قرون سوم و چهارم هجری قمری با شتاب بیشتری ادامه یافت. در زمان حکومت مأمون خلیفه ایرانی نسب عباسی، کتاب‌ها و رسالات بیشتری ترجمه شد. در همین زمان، دانشمندان مسلمان به پژوهش‌های بنیادین و مستقلی در باب نجوم،

عرض تعقیب و آزار خلفای حاکم بودند، هرگاه فرصت مناسبی به دست می‌آوردند، فرهنگ دانش دوستی و خردگرایی را ترویج می‌کردند و خود نیز به آموزش اندیشمندان می‌پرداختند. مجالس درس و بحث امام محمد باقر<sup>(۴)</sup> و امام جعفر صادق<sup>(۵)</sup> و شاگردانی که آنان در حوزه‌های گوناگون علم و حکمت تربیت کردند، گواه این مدعای است.

سرانجام، سلسله امویان با شورش ایرانیان برافتاد. ایرانیان که با رهبری ابومسلم خراسانی، خلفای اموی را کنار زدند، خلافت را به ابوالعباس از طایفه بنی‌هاشم سپردند و بدین‌گونه سلسله عباسی بر عالم اسلام حاکمیت یافت.

خلفای عباسی خیلی بیشتر از خلفای اموی به ایرانیان نزدیک شدند، به‌طوری که بعضی از خاندان‌های ایرانیان مانند خاندان برمه کیان که در براندازی بنی‌امیه شرکت داشتند، در دستگاه عباسی مقامی والا یافتند. این امر یعنی نفوذ ایرانیان در حکومت، سبب رشد مجدد حکمت و علم در این سرزمین شد.

بغداد به دستور منصور، دومین خلیفه عباسی و به توصیه خالد بن‌برمک (مشاور او) ساخته شد. مهندسان و ستاره‌شناسان ایرانی، محاسبات مربوط به موقعیت و بنای این شهر را انجام دادند و پس از مدتی بغداد به صورت یکی از پر رونق‌ترین حوزه‌های علمی جهان اسلام در آمد. در همین زمان، دانشمندان حوزه جندی شاپور به ترجمه روی آوردن و برخی از متون یونانی را به سریانی ترجمه کردند. این ترجمه‌ها شامل آثاری از افلاطون، ارسطو، اقلیدس، ارشمیدس،

روز به روز گسترش می‌یافت. رفتار ظالمانه خلفای عباسی با امامان شیعه نیز ناسپاسی آنان در حق کسانی چون ابومسلم خراسانی که در واقع پایه‌گذار حکومت عباسیان بودند و خاندان برمهکیان که در رونق فرهنگ در عصر عباسیان سهمی به‌سزا داشتند، اعتماد مسلمانان، به‌خصوص مسلمانان ایرانی را از دستگاه خلافت سلب کرد.

چند سال پیش از تولد محمدبن زکریای رازی، نخستین نهضت استقلال طلبانه ایران به رهبری یعقوب‌لیث صفار به اعلان حکومتی مستقل در سیستان انجامیده بود. حکومت سامانی نیز در آن زمان قدرت گرفته بود و روز به روز بر اقتدار و قلمرو آن افزوده می‌شد.

سامانیان نیز مشوق شاعران و نویسنده‌گان پارسی زبان بودند و در توسعه علوم و گسترش فرهنگ در عصر خود تأثیر فراوانی داشتند. در چنین فضایی، حاکمان و فرمانروایان برای گردآوری دانشمندان و ادبیان در دستگاه خود با یکدیگر مسابقه می‌دادند و این همه به نفع پیشرفت دانش، زبان، ادبیات و فرهنگ ایرانی و اسلامی تمام می‌شد.

شخصیت و اندیشه محمدبن زکریای رازی، در چنین شرایطی شکل گرفت، بالید و ثمر داد و از او دانشمندی ساخت که باعث افتخار ایران و جهان شد.

نام رازی محمد و فرزند مردی به نام زکریا و اهل شهری بود، بنابراین، نباید وی را زکریای رازی نامید زیرا زکریا نام پدر اوست و نه نام او. پدر رازی احتمالاً زرگری معمولی و از علم و

رباضی، پزشکی، هندسه، مکانیک و فیزیک پرداختند.

در سده سوم هجری در بغداد، مرکزی فرهنگی به نام دارالحکمہ آغاز به کار کرد که در کتابخانه‌اش آثار دانشمندان یونانی، ایرانی و هندی گردآوری شده بود. در این زمان به دستور مأمون رصدهایی در رصدخانه بغداد صورت گرفت و گروهی از دانشمندان برای اندازه‌گیری محیط زمین بسیج شدند. این خلیفه مجالس بحث آزاد علمی راه می‌انداخت و خود در آن گفت و گوها شرکت می‌کرد.

محمدبن زکریای رازی در اوج شکوفایی علم و فرهنگ و تمدن اسلامی، یعنی در سده سوم هجری قمری به دنیا آمد و جو پویا و سرزنشه این دوران، زمینه رشد تفکر و خلاقیت این نابغه کم نظری جهان را فراهم آورد و باعث شد تا او چراغ راه آینده‌گان باشد.

پیش از تولد رازی، چند تن از دانشمندان ایرانی کتاب‌هایی در زمینه پزشکی و داروشناسی به زبان عربی که زبان علمی جهان اسلام بود، نوشته بودند و در اوایل زندگی او آثار بقراط و جالینوس از یونانی به عربی ترجمه و در جندی‌شاپور تدریس می‌شدند.

برخلاف شرایط علمی و فرهنگی آن زمان که دوران شکوفایی خود را می‌گذراند، شرایط سیاسی و اجتماعی چندان مناسب نبود. در آغاز زندگی محمدبن زکریای رازی، بهدلیل گرایش روز افزوون خلفای عباسی به تجمل، اشرافیت و گسترش ظلم و بیدادگری در دستگاه خلافت، نهضت‌های سیاسی و اجتماعی استقلال طلبانه

آن جا ترجمه می شد.

محمدبن زکریای رازی در بغداد شهرت و اعتبار فراوانی داشت و قدرت و مهارتش در طبابت زبانزد خاص و عام بود و همین باعث حسادت و کینه ورزی گروهی از پزشکان این شهر می شد.

تاریخ بازگشت رازی را به ری بین سال های ۲۹۰ تا ۲۹۲ هجری قمری تخمین زده‌اند. او پس از بازگشت به زادگاهش، ریاست بیمارستان ری را بر عهده گرفت و مشغول طبابت و پرورش شاگردان شد.

از گفته های مختلف پیشینیان چنین بر می آید که رازی مردی خوشخو، کریم، خوش ذوق و دقیق بود، با بیماران خویش به مهربانی رفتار می کرد و تا بیماری آن ها را تشخیص نمی داد، از آنان دست بر نمی داشت و به بیمارانی که استطاعت مالی نداشتند، داروی رایگان می داد. با وجودی که معروف ترین پزشک و کیمیاگر عصر خویش بود، از مال دنیا هیچ بهره ای نداشت و با تنگ دستی روزگار می گذراند.

در دستگاه فکری محمدبن زکریای رازی «خرد» جایگاه ویژه ای دارد و ارزش هر یک از فعالیت های انسان را میزان هماهنگی آن با خرد تعیین می کند. خود او در این باره می نویسد: «خداؤند بر ما خرد را ارزانی داشت تا از آن برای هر دو جهان بهره بگیریم. خرد، بزرگ ترین موهبتی است که خداوند به انسان عنایت کرده است. با عقل است که بر حیوانات برتری داریم و از آنان بهره می گیریم و به آنان کمک می کنیم. عقل است که زندگی ما را غنی و زیبا ساخته

حکمت بی بهره بود. از لحن نوشه های مورخان و تذکره نویسان چنین بر می آید که زکریا (پدر رازی) میل داشت که پسرش به کسب و کار او بپردازد، ولی محمد پس از کسب تجربه هایی در حرفة زرگری، این شغل را رها می کند و ابتدا به سرودن شعر و نواختن عود و خواندن آواز روی می آورد و سپس به سراغ آموختن علوم گوناگون می رود.

ری در آن زمان یکی از مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام به شمار می رفت و رازی نیز به یقین از این محیط مناسب بهره ها برده است.

دقیقاً مشخص نیست که محمدبن زکریا فراگیری علوم را از کدام شاخه آغاز کرده است، اما به نظر می رسد در ابتدا آموخته های او در فن زرگری مقدمه آشنایی اش با علم شیمی و به قول قدما کیمیاگری شده باشد.

چنین به نظر می رسد که رازی پیش از سی سی و پنج سالگی شیمی دان (کیمیاگر)، فیلسوف و طبیعی دانی کم نظیر و صاحب ابداعاتی عظیم بود. وی پزشکی را بعد از این سن، یعنی در سال های سی تا چهل عمر فرا گرفت و در مدت کوتاهی حاذق ترین پزشک جهان اسلام شد، به طوری که او را پدر طب عرب و جالینوس عرب نامیده اند.

از قرائن چنین بر می آید که رازی طب را در بغداد فرا گرفته است. این شهر در قرن سوم هجری قمری به دلیل داشتن بیمارستان های متعدد، برای آموختن علم پزشکی از هر جای دیگر مناسب تر بود و کتاب های پزشکی متنوعی در

همکاران عزیز و داروسازان گرامی تبریک  
می‌گوییم و آرزو می‌کنم همگی ما در خدمت  
به مردم خوب ایران عزیز و هم وطنان شایسته  
محبت، موفق باشیم.

دکتر سید محمد صدر

مطبع  
طهوری م. مشاهیر علم. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه نشر و  
تحقیقات ذکر: ۱۳۹۷: ۲۰-۱۳

است. رسیدن به آرزوها جز از طریق به کار بردن  
خرد میسر نیست. شکل زمین، آسمان، خورشید،  
ماه و ستارگان را تنها به یاری خرد می‌توان  
شناخت و از حرکات آن‌ها آگاه شد. اندیشه، اوج  
درک انسان و بزرگ‌ترین موجب سعادت است.  
به‌طور خلاصه، بدون خرد انسان چون حیوانات  
و دیوانگان است.»

در پایان، سالروز تولد محمد بن زکریا رازی  
و هم‌چنین روز داروسازی را خدمت تمامی

